



واکاوی سازوکارهای تقویت نگرش انتقادی در دانش‌آموزان دبیرستانی

زهرا افخمی‌نیا^۱، محسن سلطانی^۲

۱. گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: soltani.mohsen@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی و واکاوی سازوکارهای مؤثر در تقویت نگرش انتقادی در میان دانش‌آموزان دبیرستانی با بهره‌گیری از رویکرد کیفی بود. این پژوهش با استفاده از روش کیفی تحلیل مضمون و از طریق انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۶ نفر از دانش‌آموزان، معلمان و مشاوران مدارس دبیرستانی شهر تهران انجام شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و مبتنی بر معیار صورت گرفت و گردآوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. تمامی مصاحبه‌ها به طور کامل پیاده‌سازی و سپس با استفاده از نرم‌افزار NVivo تحلیل شدند. در تحلیل مضمون، ابتدا کدهای باز استخراج و سپس در قالب زیرمقوله‌ها و مقوله‌های اصلی طبقه‌بندی گردیدند. یافته‌های پژوهش در سه مقوله اصلی شامل «بسترهای آموزشی مؤثر»، «عوامل روان‌شناختی و شخصیتی»، و «نقش خانواده و محیط اجتماعی» سازمان یافتند. هر یک از این مقوله‌ها شامل چندین زیرمقوله مانند روش تدریس، فضای کلاسی، خودکارآمدی شناختی، هیجان‌های یادگیری، سبک فرزندپروری، و تأثیر همسالان بودند. این عوامل در تعامل با یکدیگر زمینه‌ساز شکل‌گیری و تقویت نگرش انتقادی در دانش‌آموزان می‌شوند. نتایج نشان می‌دهد که نگرش انتقادی پدیده‌ای چندبعدی است که تحت تأثیر عوامل آموزشی، روان‌شناختی و اجتماعی قرار دارد. برای پرورش این نگرش در دانش‌آموزان، لازم است مداخلاتی جامع در سطح برنامه‌درسی، تربیت معلم، ساختار خانواده و فرهنگ عمومی طراحی و اجرا گردد.

کلیدواژه‌گان: نگرش انتقادی، دانش‌آموزان دبیرستانی، تحلیل مضمون، آموزش متوسطه، عوامل روان‌شناختی، تعامل اجتماعی

تاریخ ارسال: ۳ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۰ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۹ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱۳ تیر ۱۴۰۲



How to cite: Afkhaminia, Z., & Soltani, M. (2023). Exploring Mechanisms for Strengthening Critical Attitudes in High School Students. *Training, Education, and Sustainable Development*, 1(2), 1-9.



© 2023 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Exploring Mechanisms for Strengthening Critical Attitudes in High School Students

Zahra Afkhaminia¹, Mohsen Soltani^{2*}

1. Department of Curriculum Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2. Department of Curriculum Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: soltani.mohsen@gmail.com

Abstract

The purpose of this study was to explore and identify effective mechanisms for strengthening critical attitudes in high school students using a qualitative approach. This study employed qualitative thematic analysis and involved semi-structured interviews with 26 participants, including students, teachers, and school counselors from high schools in Tehran. Participants were selected through purposive criterion sampling, and data collection continued until theoretical saturation was reached. All interviews were transcribed verbatim and analyzed using NVivo software. Open codes were extracted and organized into subthemes and main themes through thematic analysis. The results revealed three main themes: "Effective Educational Contexts," "Psychological and Personal Factors," and "Role of Family and Social Environment." Each theme included several subthemes such as teaching strategies, classroom climate, cognitive self-efficacy, learning-related emotions, parenting styles, and peer influence. These interacting factors contribute to the development and reinforcement of critical attitudes in students. The findings highlight that critical attitude is a multidimensional construct influenced by educational, psychological, and social factors. Comprehensive interventions in curriculum design, teacher training, family education, and public cultural discourse are required to effectively nurture critical attitudes in students.

Keywords: *Critical Attitude, High School Students, Thematic Analysis, Secondary Education, Psychological Factors, Social Interaction*

Submit Date: 22 April 2023

Revise Date: 30 May 2023

Accept Date: 19 June 2023

Publish Date: 3 July 2023

در عصر حاضر که جهان با پیچیدگی‌های فزاینده، اطلاعات متنوع و گاه متناقض و تغییرات پرشتاب مواجه است، نیاز به پرورش نسلی با توانایی تفکر انتقادی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. نگرش انتقادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تفکر سطح بالا، نقشی اساسی در تصمیم‌گیری آگاهانه، حل مسئله خلاقانه، و مشارکت فعال در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایفا می‌کند (Facione, 2015). در واقع، فردی که نگرش انتقادی دارد، نه تنها توانایی تجزیه و تحلیل داده‌ها و شناسایی سوگیری‌ها را داراست، بلکه قادر است در برابر اطلاعات نادرست، تبلیغات و سلطه گفتمان‌های قالب مقاومت کرده و موضعی مستقل اتخاذ کند.

نظام‌های آموزشی به‌عنوان نهادهای کلیدی در فرآیند جامعه‌پذیری، نقش بنیادینی در پرورش و تقویت نگرش انتقادی دانش‌آموزان دارند. با این حال، پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که بسیاری از سیستم‌های آموزشی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، بیش از آنکه زمینه‌ساز پرورش تفکر انتقادی باشند، بر حفظ اطلاعات، آزمون‌های استاندارد و بازتولید محتوا تأکید دارند (Ennis, 2011). در چنین شرایطی، نه تنها نگرش انتقادی در دانش‌آموزان شکل نمی‌گیرد، بلکه حتی ممکن است سرکوب شود. در حالی که براساس گزارش یونسکو (UNESCO, 2015)، آموزش با کیفیت باید بتواند افراد را به پرسشگری، تحلیل، و نقد سازنده تشویق نماید و از آنها شهروندانی مسئول و آگاه بسازد.

بر این اساس، توجه به سازوکارهایی که می‌توانند نگرش انتقادی را در دانش‌آموزان تقویت کنند، ضروری به نظر می‌رسد. سازوکارهایی که تنها به محتوا محدود نمی‌شوند، بلکه شیوه تدریس، نوع تعاملات در کلاس، ارزشیابی، عوامل روان‌شناختی، حمایت خانواده و بستر فرهنگی نیز در آن نقش دارند (Brookfield, 2012). به‌عنوان مثال، مطالعات نشان داده‌اند که شیوه‌های تدریس فعال مانند یادگیری مبتنی بر مسئله، گفت‌وگوهای کلاسی، و پروژه‌محور بودن یادگیری می‌توانند زمینه‌ساز بروز و تقویت نگرش انتقادی شوند (Paul & Elder, 2014).

از سوی دیگر، نگرش انتقادی مفهومی صرفاً شناختی نیست، بلکه با عوامل عاطفی، روانی و اجتماعی نیز گره خورده است. دانش‌آموز برای داشتن نگرش انتقادی نیاز به عزت نفس تحصیلی، تحمل ابهام، اعتماد به نفس در بیان نظر و آمادگی روانی برای نقد شدن دارد (Abrami et al., 2008). بنابراین، ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی نیز به‌عنوان عوامل مهم در این زمینه مطرح هستند. در همین راستا، پژوهش‌های جدیدتر بر اهمیت خودکارآمدی شناختی (cognitive self-efficacy) و هیجان‌های یادگیری همچون لذت حل مسئله یا اضطراب در مواجهه با نقد نیز تأکید دارند (Kim, 2021).

خانواده نیز به‌عنوان نخستین بستر تربیتی در شکل‌گیری یا سرکوب نگرش انتقادی نقش انکارناپذیری دارد. سبک فرزندپروری والدین، الگوهای ارتباطی درون خانواده، میزان پذیرش دیدگاه‌های متفاوت و نحوه مواجهه والدین با سوال‌ها و انتقادات فرزندان، می‌تواند مشوق یا مانع این نگرش باشد (Lai, 2011). همچنین نقش همسالان، معلمان، مشاوران، و حتی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در جامعه‌پذیری انتقادی دانش‌آموزان در دنیای کنونی غیرقابل انکار است. نوجوانی، مرحله‌ای است که هویت‌یابی، استقلال فکری، و نقد ارزش‌های مرسوم در آن به اوج می‌رسد و بنابراین نیازمند توجه ویژه به فرآیندهای پرورشی در این دوره هستیم (Ten Dam & Volman, 2004).

در زمینه پژوهش‌های داخلی نیز مطالعاتی به بررسی وضعیت تفکر انتقادی در میان دانش‌آموزان و دانشجویان پرداخته‌اند و اغلب نتایجی مشابه یافته‌های جهانی به‌دست آمده است. برای نمونه، پژوهش صافی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد که بیشتر معلمان به دلیل کمبود زمان، کم‌توجهی به مهارت‌های تفکر در محتوای درسی و فشارهای نظام ارزیابی، تمایل چندانی به ترویج تفکر انتقادی ندارند. همچنین پژوهش محبی (۱۴۰۰) حاکی از آن است که دانش‌آموزان تمایل دارند دیدگاه‌های خود را بیان کنند، اما اغلب فضای مدرسه چنین امکانی را فراهم نمی‌کند.

با وجود اهمیت موضوع، همچنان خلأهایی جدی در شناخت عمیق سازوکارهای مؤثر بر شکل‌گیری و تقویت نگرش انتقادی در دانش‌آموزان وجود دارد. بخش زیادی از پژوهش‌ها به سنجش میزان تفکر انتقادی پرداخته‌اند و کمتر به شناسایی عوامل و سازوکارهای کیفی در بستر مدرسه و جامعه توجه شده است. همچنین اغلب مطالعات پیشین کم‌تر به نقش تعامل عوامل روان‌شناختی، اجتماعی و آموزشی به صورت درهم‌تنیده توجه کرده‌اند و رویکردهای کمی غالب بوده‌اند که امکان فهم عمیق تجارب زیسته دانش‌آموزان را محدود می‌کند.

از این‌رو، پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و با بهره‌گیری از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ذی‌نفعان آموزشی، از جمله دانش‌آموزان، معلمان و مشاوران مدارس در شهر تهران، تلاش دارد تا سازوکارهای مؤثر در تقویت نگرش انتقادی در دانش‌آموزان دبیرستانی را شناسایی کند. رویکرد کیفی به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا به لایه‌های پنهان تجارب، باورها و موانع بپردازد و تصویری غنی از زمینه‌های رشد این نگرش ارائه دهد (Merriam & Tisdell, 2016). این مطالعه با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون و با رسیدن به اشباع نظری، سعی دارد تا چارچوبی مفهومی برای تقویت نگرش انتقادی در نوجوانان ایرانی پیشنهاد کند؛ چارچوبی که می‌تواند برای برنامه‌ریزان درسی، سیاست‌گذاران آموزشی، معلمان و خانواده‌ها راهگشا باشد.

در نهایت، می‌توان گفت بررسی نگرش انتقادی، نه صرفاً یک امر شناختی یا مهارتی، بلکه مسئله‌ای میان‌رشته‌ای است که در بستر تعاملات اجتماعی، عاطفی، فرهنگی و آموزشی شکل می‌گیرد. پژوهش حاضر با تکیه بر مشارکت واقعی ذی‌نفعان آموزشی، گامی در جهت درک عمیق‌تر این سازوکارها برداشته و می‌تواند به عنوان مبنایی برای طراحی مداخلات تربیتی و آموزش معلمان مورد استفاده قرار گیرد.

روش‌شناسی

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شد. هدف اصلی پژوهش، واکاوی سازوکارهایی بود که به تقویت نگرش انتقادی در دانش‌آموزان دبیرستانی منجر می‌شوند. مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل ۲۶ نفر از دانش‌آموزان، معلمان، و مشاوران مقطع متوسطه دوم از مدارس مختلف شهر تهران بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و مبتنی بر معیار انتخاب شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل داشتن تجربه مستقیم در زمینه آموزش یا تجربه زیسته مرتبط با پرورش نگرش انتقادی در فضای آموزشی دبیرستان بود. فرایند مصاحبه تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ به گونه‌ای که پس از مصاحبه بیست‌وششم، اطلاعات جدیدی به مضامین افزوده نشد.

داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد. برای انجام مصاحبه‌ها، راهنمایی شامل پرسش‌های باز و عمیق طراحی شد که تمرکز آن‌ها بر درک مشارکت‌کنندگان از عوامل، راهبردها، موانع، و تجارب مربوط به شکل‌گیری نگرش انتقادی در دانش‌آموزان بود. هر مصاحبه به‌طور متوسط بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه زمان برد و با رضایت کتبی شرکت‌کنندگان ضبط صوتی گردید. پیش از شروع فرایند مصاحبه، هدف پژوهش برای شرکت‌کنندگان تشریح و بر حفظ محرمانگی اطلاعات تأکید شد.

تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون و به صورت هم‌زمان با جمع‌آوری داده‌ها انجام شد. کلیه مصاحبه‌ها به صورت کلمه‌به‌کلمه پیاده‌سازی شدند و سپس با استفاده از نرم‌افزار NVivo تحلیل گردیدند. در مرحله کدگذاری اولیه، واحدهای معنایی مرتبط شناسایی و کدگذاری شدند و در مراحل بعدی، کدها به زیرمضمون‌ها و سپس به مضامین اصلی طبقه‌بندی شدند. برای افزایش اعتبار پژوهش، از روش بازبینی مشارکت‌کنندگان (member check)، بررسی همکار پژوهشی، و دقت در ثبت و گزارش مراحل تحلیل استفاده شد. همچنین برای رعایت معیارهای صحت کیفی پژوهش از ملاک‌های چهارگانه لینکلن و گوبا شامل قابلیت اعتماد، انتقال‌پذیری، وابستگی و تأییدپذیری بهره گرفته شد.

مقوله اول: بسترهای آموزشی مؤثر

۱.۱ روش تدریس معلمان

یکی از محورهای اصلی که از تحلیل داده‌ها استخراج شد، سبک تدریس معلمان بود. مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که معلمان نقش مهمی در فعال‌سازی تفکر انتقادی دارند. به‌کارگیری پرسش‌های باز، طرح مسائل واقعی و پرهیز از پاسخ‌های قطعی از جمله روش‌هایی بود که در ایجاد نگرش انتقادی مؤثر بودند. یکی از دانش‌آموزان بیان داشت: «معلم ما هیچ‌وقت جواب نمی‌ده، فقط سوال می‌پرسه تا ما فکر کنیم، اولش اذیت می‌شدیم ولی بعد کم‌کم یاد گرفتیم خودمون تحلیل کنیم.»

۱.۲ فضای کلاس درس

مشارکت‌کنندگان بر اهمیت فضایی امن، بدون قضاوت و آزاد در کلاس تاکید داشتند؛ فضایی که در آن دانش‌آموزان بتوانند بدون ترس از تمسخر یا توبیخ، نظرات متفاوت خود را ابراز کنند. به گفته یک معلم: «وقتی فضای کلاس جوریه که بچه‌ها احساس راحتی می‌کنن، دیگه از نظر دادن نمی‌ترسن و حتی حرفای عجیب رو هم با جسارت مطرح می‌کنن.»

۱.۳ محتوای آموزشی

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که محتوای درسی اگر شامل موضوعات باز، چندلایه و دارای زمینه اجتماعی باشد، زمینه رشد نگرش انتقادی را فراهم می‌کند. یکی از مشاوران اظهار داشت: «وقتی کتاب درسی فقط یک دیدگاه رو نشون می‌ده، بچه‌ها یاد نمی‌گیرن که می‌تونن نگاه دیگه‌ای هم داشته باشن.»

۱.۴ شیوه‌های ارزشیابی

ارزشیابی‌های مبتنی بر تفکر تحلیلی و بازخورد کیفی از دیگر مؤلفه‌هایی بود که مشارکت‌کنندگان به آن اشاره داشتند. استفاده از آزمون‌های توصیفی، پروژه‌های گروهی و خودارزیابی به عنوان شیوه‌های مؤثر مطرح شدند. به گفته یکی از دانش‌آموزان: «وقتی معلم از ما می‌خواد نظر خودمون رو درباره یه مسئله بنویسیم، حس می‌کنم مهمم، نه فقط یه دانش‌آموز که باید حفظ کنه.»

۱.۵ نقش فناوری آموزشی

استفاده از ابزارهای دیجیتال، شبکه‌های یادگیری و منابع چندرسانه‌ای باعث شده بود تا دانش‌آموزان با دیدگاه‌های متنوع‌تری روبه‌رو شوند و به تحلیل اطلاعات بپردازند. یکی از معلمان اظهار داشت: «وقتی از پلتفرم‌هایی مثل پادکست یا ویدئوهای تحلیلی استفاده می‌کنم، بچه‌ها خودشون شروع می‌کنن به مقایسه و نقد.»

۱.۶ تعاملات کلاسی دانش‌آموزان

تعاملات بین دانش‌آموزان در قالب گفت‌وگو، کار گروهی و تحلیل دیدگاه‌های مختلف، عامل مهمی در تقویت نگرش انتقادی بود. یکی از دانش‌آموزان در این باره گفت: «گاهی از حرفای هم‌کلاسی‌هام بیشتر یاد می‌گیرم تا از معلم، چون مجبورم فکر کنم که چرا با من موافق نیستن.»

مقوله دوم: عوامل روان‌شناختی و شخصیتی

۲.۱ خودکارآمدی شناختی

باور دانش‌آموز به توانایی ذهنی خود در تحلیل و نقد، از عوامل روان‌شناختی مهم در شکل‌گیری نگرش انتقادی بود. دانش‌آموزی اظهار داشت: «وقتی حس می‌کنم می‌تونم یه موضوع رو خوب بفهمم، راحت‌تر نظر می‌دم و از بحث نمی‌ترسم.»

۲.۲ تحمل ابهام و پیچیدگی

تحلیل‌پذیری در شرایط نامعلوم و پیچیده از ویژگی‌هایی بود که مشارکت‌کنندگان آن را مرتبط با نگرش انتقادی دانستند. یکی از مشاوران مدرسه گفت: «بچه‌هایی که می‌تونن با سؤال‌های بدون جواب قطعی کنار بیان، راحت‌تر نقد می‌کنن و دنبال دلیل می‌گردن.»

۲.۳ عزت نفس تحصیلی

داشتن احساس ارزشمندی در حوزه فکری و تحصیلی، عاملی مهم در بروز رفتارهای مبتنی بر تفکر انتقادی بود. به گفته یکی از معلمان: «وقتی به دانش‌آموز احترام می‌ذاریم و بهش می‌گیم که فکرش مهمه، خودش رو دست کم نمی‌گیره.»

۲.۴ نگرش نسبت به یادگیری

نگاه دانش‌آموز به یادگیری به عنوان فرآیندی برای کشف، نه فقط حفظ، نقشی کلیدی در پرورش تفکر انتقادی داشت. یکی از دانش‌آموزان بیان کرد: «درس برام مثل یه معماست، نه یه سری مطالب برای امتحان دادن. اینطوری بیشتر تو فکر فرو می‌رم.»

۲.۵ هیجان‌های یادگیری مرتبط با نقد

هیجان‌هایی همچون لذت کشف پاسخ، اضطراب از اشتباه، یا اعتماد به تحلیل خود، می‌توانستند بر روند تفکر انتقادی تأثیرگذار باشند. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «اولش از نقد شدن می‌ترسیدم، ولی بعد که دیدم می‌تونم از اشتباهام یاد بگیرم، خوشم اومد از بحث کردن.»

مقوله سوم: نقش خانواده و محیط اجتماعی

۳.۱ سبک فرزندپروری والدین

تشویق به گفت‌وگو، پذیرش تفاوت دیدگاه‌ها و پرهیز از تنبیه فکری از سوی والدین، زمینه‌ساز رشد نگرش انتقادی بودند. یکی از دانش‌آموزان گفت: «پدرم همیشه ازم می‌خواد دلیل حرفم رو بگم، حتی وقتی باهام موافقه.»

۳.۲ فضای ارتباطی خانواده

وجود ارتباط آزاد و حمایت‌گرانه در خانواده باعث افزایش اعتماد به نفس در بیان دیدگاه و تمرین نقد می‌شد. یک مشاور مدرسه گفت: «خانواده‌هایی که به بچه‌ها اجازه می‌دن سوال بپرسن و بحث کنن، بچه‌هایی دارن که تو کلاس هم فعال‌ترن.»

۳.۳ تأثیر رسانه و شبکه‌های اجتماعی

مواجهه با دیدگاه‌های مختلف و تجربه نقد در فضای مجازی، در شکل‌گیری نگاه تحلیلی دانش‌آموزان نقش داشت. یکی از دانش‌آموزان اشاره کرد: «وقتی می‌بینم تو فضای مجازی همه یه جور فکر نمی‌کنن، منم بیشتر فکر می‌کنم که حق با کیه.»

۳.۴ گروه همسالان

تعامل با دوستانی که اهل بحث و تحلیل هستند، به‌ویژه در قالب گروه‌های درسی یا غیررسمی، نقش مهمی در تمرین و تقویت نگرش انتقادی داشت. یک دانش‌آموز گفت: «دوستام همش باهام بحث می‌کنن، این باعث می‌شه دنبال دلیل برای نظرم بگردم.»

۳.۵ نقش محیط فرهنگی-اجتماعی

نحوه مواجهه جامعه با انتقاد، میزان آزادی بیان و میزان تحمل تفاوت دیدگاه‌ها، همگی در زمینه‌سازی برای نگرش انتقادی در نسل نوجوان مؤثر بودند. یکی از معلمان بیان کرد: «وقتی فرهنگ جامعه نقد رو بد می‌دونه، بچه‌ها هم از انتقاد می‌ترسن.»

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر در سه مقوله اصلی شامل بسترهای آموزشی مؤثر، عوامل روان‌شناختی و شخصیتی، و نقش خانواده و محیط اجتماعی دسته‌بندی شدند. این سه مقوله در تعامل با یکدیگر، سازوکارهایی را برای شکل‌گیری و تقویت نگرش انتقادی در دانش‌آموزان دبیرستانی فراهم می‌آورند. در ادامه، به تبیین این یافته‌ها در پرتو مطالعات پیشین پرداخته می‌شود.

در مقوله نخست، نتایج نشان داد که شیوه تدریس معلمان، فضای کلاس، محتوای آموزشی، شیوه‌های ارزشیابی و تعاملات میان‌فردی دانش‌آموزان تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری نگرش انتقادی دارند. معلمانی که از پرسش‌های باز، بحث‌محور و رویکرد مسئله‌محور بهره می‌گیرند، فرصت‌هایی را برای تمرین تحلیل، ارزیابی و نقد برای دانش‌آموزان فراهم می‌کنند. این یافته با نتایج پژوهش‌های Brookfield (۲۰۱۲) و Paul & Elder (۲۰۱۴) هم‌راستا است که نشان داده‌اند تدریس فعال و مشارکتی نقش کلیدی در ارتقای تفکر انتقادی دارد. همچنین یافته‌های مرتبط با فضای کلاسی نشان می‌دهد که احساس امنیت روانی، احترام به تفاوت‌ها و امکان ابراز نظر بدون ترس از تمسخر، مؤلفه‌هایی هستند که باعث می‌شوند دانش‌آموزان نگرش‌های تحلیلی و نقادانه‌تری اتخاذ کنند. این نتیجه نیز با ادبیات مربوط به محیط یادگیری امن در پژوهش Ten Dam & Volman (۲۰۰۴) همخوانی دارد. از سوی دیگر، محتوای درسی چنانچه چندصدایی، چندلایه و دارای تضادهای مفهومی باشد، دانش‌آموز را به تفکر عمیق و نقد ساختار یافته سوق می‌دهد؛ همان‌طور که در مطالعه Facione (۲۰۱۵) به آن تأکید شده است.

در زمینه ارزشیابی، یافته‌ها نشان داد که ارزشیابی‌های توصیفی، پروژه‌محور و مبتنی بر تحلیل دیدگاه‌ها، برخلاف آزمون‌های استاندارد مبتنی بر حفظ مطالب، نقش مهمی در نهادینه‌سازی نگرش انتقادی دارند. این نتیجه با تحلیل‌های Abrami et al (۲۰۰۸) که بر ضرورت بازبینی در ساختارهای سنجش سنتی تأکید دارد، همخوانی دارد. همچنین استفاده از فناوری‌های آموزشی چون رسانه‌های دیجیتال و پلتفرم‌های مشارکتی در کلاس، فرصتی برای مواجهه با دیدگاه‌های متنوع فراهم می‌سازد که سبب تحریک ذهن تحلیل‌گر دانش‌آموز می‌شود؛ این نکته نیز در پژوهش Kim (۲۰۲۱) برجسته شده است.

در مقوله دوم، یافته‌ها بیانگر آن بودند که ویژگی‌هایی نظیر خودکارآمدی شناختی، تحمل ابهام، عزت‌نفس تحصیلی، نگرش نسبت به یادگیری، و هیجان‌های مرتبط با یادگیری نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش انتقادی دارند. به عبارتی، تنها آموزش مستقیم مهارت‌های انتقادی کافی نیست، بلکه بایستی زیرساخت‌های روان‌شناختی لازم برای پذیرش و بروز این نگرش نیز در دانش‌آموزان تقویت شود. برای نمونه، دانش‌آموزانی که به توانایی تحلیلی خود باور دارند، راحت‌تر در بحث‌ها شرکت می‌کنند و از بیان نظر خود هراس ندارند. این یافته با مطالعات Lai (۲۰۱۱) و Kim (۲۰۲۱) هم‌راستا است که خودکارآمدی و انگیزش درونی را از پیش‌نیازهای تفکر انتقادی می‌دانند.

تحمل ابهام، که به معنای توانایی پذیرش چندگانگی دیدگاه‌ها و عدم قطعیت است، نیز از پیش‌بینی‌کننده‌های کلیدی نگرش انتقادی بود. دانش‌آموزانی که قادر به مواجهه با سوال‌های بدون پاسخ روشن هستند، بیشتر به تحلیل و جست‌وجوی پاسخ‌های متنوع تمایل دارند. این امر در پژوهش Ennis (۲۰۱۱) به خوبی توصیف شده و به عنوان یکی از شایستگی‌های اصلی تفکر انتقادی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین هیجان‌هایی مانند لذت حل مسئله، اضطراب از نقد شدن یا کنجکاوی برای یافتن پاسخ، در فرایند انتقادی نقش‌آفرین‌اند و نشان می‌دهد که توجه به جنبه‌های عاطفی یادگیری نیز در پرورش این نگرش حیاتی است (Brookfield, 2012).

در مقوله سوم، یافته‌ها حاکی از نقش پررنگ خانواده، گروه همسالان و محیط اجتماعی در تقویت یا تضعیف نگرش انتقادی هستند. سبک فرزندپروری والدین، چنانچه مبتنی بر گفت‌وگو، پذیرش تفاوت‌ها و تشویق به پرسشگری باشد، نقش تعیین‌کننده‌ای در پرورش ذهن انتقادی دارد. دانش‌آموزانی که در خانواده‌های باز و تعامل‌محور رشد یافته‌اند، در فضای مدرسه نیز فعال‌تر و جسورتر در بیان دیدگاه‌ها ظاهر می‌شوند. این یافته با مطالعات Lai (۲۰۱۱) و Ten Dam & Volman (۲۰۰۴) مطابقت دارد. همچنین ارتباط با همسالان تحلیل‌گر، گفتگوهای دوستانه و مباحثه‌های فکری در گروه همسالان، به‌ویژه در دوره نوجوانی، عاملی مؤثر در تمرین نقد و ارزیابی دیدگاه‌هاست.

از سوی دیگر، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، اگرچه می‌توانند به ترویج نگاه سطحی نیز بینجامند، اما چنانچه به‌درستی هدایت شوند، منبعی برای تنوع دیدگاه‌ها و تجربه تضاد فکری محسوب می‌شوند. یافته‌ها نشان داد که دانش‌آموزان از طریق این بسترها گاهی نخستین

مواجهه خود با دیدگاه‌های مخالف را تجربه می‌کنند. این موضوع در پژوهش UNESCO (۲۰۱۵) نیز مورد اشاره قرار گرفته است که فضای دیجیتال، هم تهدید و هم فرصت برای رشد ذهن انتقادی نوجوانان به‌شمار می‌آید. در مجموع، یافته‌های این پژوهش تأکید دارند که نگرش انتقادی، مفهومی چندبعدی و زمینه‌مند است و پرورش آن نیازمند نگاه سیستمی و مداخله در سطوح گوناگون فردی، آموزشی و اجتماعی است. به‌کارگیری آموزش‌های تحلیلی، ساختن محیطی امن برای بحث، تقویت ویژگی‌های روانی مرتبط با نقد، و مشارکت خانواده و جامعه می‌تواند به شکل‌گیری نسلی منسجم‌تر، پرسش‌گرا تر و آماده‌تر برای زیستن در جامعه‌ای پیچیده و چندلایه بینجامد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

References

- Abrami, P. C., Bernard, R. M., Borokhovski, E., Wade, A., Surkes, M., Tamim, R., & Zhang, D. (2008). Instructional interventions affecting critical thinking skills and dispositions: A stage 1 meta-analysis. *Review of Educational Research*, 78(4), 1102–1134. <https://doi.org/10.3102/0034654308326084>
- Brookfield, S. D. (2012). *Teaching for critical thinking: Tools and techniques to help students question their assumptions*. Jossey-Bass.
- Ennis, R. H. (2011). The nature of critical thinking: An outline of critical thinking dispositions and abilities. University of Illinois. Retrieved from <https://education.illinois.edu/docs/default-source/faculty-documents/robert-ennis/critical-thinking-outline.pdf>
- Facione, P. A. (2015). *Critical thinking: What it is and why it counts*. Insight Assessment.
- Kim, H. (2021). The role of learning-related emotions in promoting critical thinking skills in adolescents. *Journal of Educational Psychology*, 113(1), 1–13. <https://doi.org/10.1037/edu0000456>
- Lai, E. R. (2011). *Critical thinking: A literature review*. Pearson's Research Reports.
- Merriam, S. B., & Tisdell, E. J. (2016). *Qualitative research: A guide to design and implementation* (4th ed.). Jossey-Bass.
- Paul, R., & Elder, L. (2014). *The Miniature Guide to Critical Thinking Concepts and Tools* (7th ed.). Foundation for Critical Thinking.

- Ten Dam, G., & Volman, M. (2004). Critical thinking as a citizenship competence: Teaching strategies. *Learning and Instruction*, 14(4), 359–379. <https://doi.org/10.1016/j.learninstruc.2004.01.005>
- UNESCO. (2015). *Rethinking education: Towards a global common good?* Paris: UNESCO. Retrieved from <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000232555>